

# نوروز

## جشن بازگشت به زندگی، جشن آفرینش و جشن تجلی عناصر فرهنگ مدنی

دکتر بدرالزمان قریب

این پژوهش<sup>۱</sup>، نوروز را در سه تصویر مورد بررسی قرار می‌دهد:

۱. نوروز، جشن تجدید حیات طبیعت و بازگشت به زندگی در طبیعت
۲. نوروز، جشن آفرینش
۳. نوروز، تجلی عناصر و بنیادهای فرهنگ مدنی.

هر یک از این سه تصویر را می‌توان از سه دریچه اسطوره، تاریخ و آیین‌ها بررسی کرد که نگارنده چیدهوار آن‌ها را نقل می‌کند و تکیه بر تصویر سوم نوروز (تبلور بنیادهای فرهنگ مدنی) دارد.

### ۱. نوروز، جشن بازگشت به زندگی

نوروز، جشن بازگشت به زندگی، دو اسطوره به پشتونه دارد: اسطوره جمشید و اسطوره سیاوش.

#### ۱-۱. اسطوره جمشید

پیوند تنگاتنگ جمشید و خورشید و جمشید و نوروز در بنیانگذاری نوروز.

#### ۱-۱-۱. روایات دوره اسلامی

فردوسی:

سر سال نو هرمز فرودین  
بر آسوده از رنج تن، دل ز کین  
به جمشید بر گوهر افشارندند  
مر آن روز را روز نو خوانندند  
چنین روز فرخ از آن روز گار  
بمانده از آن خسروان یادگار

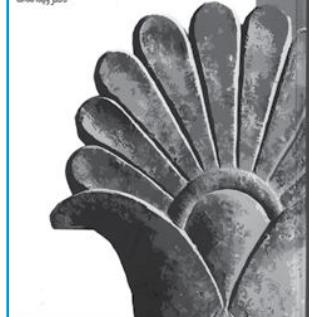
بیرونی (۱): جمشید بر سریر زر نشست؛ و چون پرتو آفتاب بر تخت او تابید چهره جمشید چون خورشید می‌درخشید. مردم در آن روز دو خورشید دیدند و آن را روز نو خوانندند و جشن گرفتند.

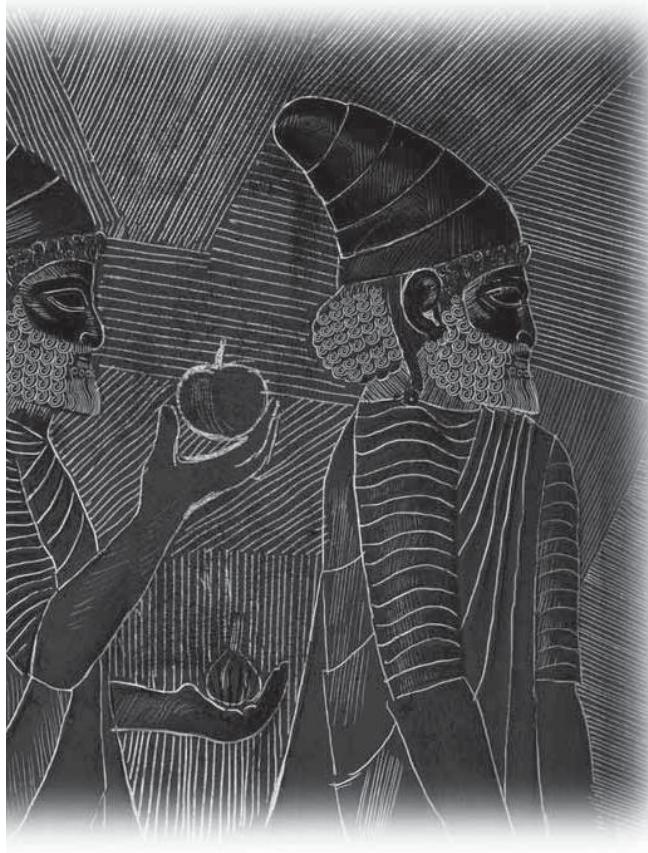
بیرونی (۲): می‌گویند فرخنده‌ترین ساعت نوروز ساعت‌های متعلق به خورشید است و بامداد این روز سپیدهدم تا حد امکان به افق نزدیک است و با نگاه کردن به سپیدهدم، مردم بدان تبرک می‌جوینند، زیرا که نام آن روز اورمزد است و آن نام خدا، آفریدگار، سازنده و پرورنده جهان و مردم است؛ او که همت و احساسش قابل توصیف نیست.

نوروزنامه: سبب نام نهادن نوروز آن بوده که آفتاب را دو دور است و یکی آن که سیصد و شصت و پنج روز و ربعی از شبانه‌روز به اول دقیقه حمل باز آید، لیک در سال بعد بدین دقیقه نیامد و چون جمشید آن روز را ترک کرد و به احتساب آورد نوروز نام نهادند و جشن گرفتند.

جشن نامه  
دکتر بدرالزمان قریب

دکتر بدرالزمان قریب  
دکتر بدرالزمان قریب





سبز شدند مردم به یمن این نعمت در هر ظرفی و طشتی جو کاشتند و سپس این رسم میان ایرانیان پایدار ماند.  
**متون پهلوی:** جمشید به دوزخ رفت و مدتی در آنجا بماند و پیمان را که اهرمن ربوده بود از او بگرفت و به زمین بازگرداند.  
**بیرونی:** چون در عهد جم هیچ جانوری نمرد، زیرا خداوند به پاداش خدماتی که جمشید کرد مردم او را زیبری، بیماری، درد و غم رهایی بخشیده بود، در نتیجه جانوران و مردمان چنان رو به فرونی نهادند که فراخنای زمین با همه پهنانی آن تنگ شد. آنوقت جمشید به امر خداوند زمین را در سه بار سه برابر کرد. پس جمشید به مردمان دستور داد در این روز غسل کنند تا از گناهان پاک شوند.

روایت بیرونی بازتاب روایت وندیداد است که جم به کمک دو ابزار زربن که خداوند بدو داده بود زمین را گسترش می‌دهد. در فروردین بیشتر نیز، در برابر خشکی چراگاهها، از فروهر جم استمداد می‌شود.

### ۱-۳. بازگشت به زندگی: پیوند نوروز با سیاوش کیخسرو

#### ۱-۳-۱. اسطوره سیاوش

سیاوش قهرمان صلح، دوستی، پاکدامنی و دلاوری ایرانیان و نماد اعتدال (و مخالف افراط) به دست دشمنان

### ۱-۱-۲. پیشوانه زبان‌شناسی

جمشید و خورشید هر دو با پسوند «شید» از اوستایی xsaeta به معنای «درخشان» ترکیب شده‌اند. نام اصلی جمشید /yima/ جم در اوستا و yama در ریگ و داست.

نام اصلی خورشید xwar خور/هور در اوستا و sur/swar در و داست. در منابع کهن اسلامی، بسیاری از منابع جدید جمشید را به نام «جم» می‌خوانند و لقبش را «شید» ذکر کرده‌اند. سبب آن که هر کجا می‌رفت چون خورشید می‌درخشد و نور از او ساطع می‌شد. طبیعت نیز می‌گوید: جمشید اسمش جم بود و به سبب زیبایی اش بدو لقب جمشید دادند، چون شید به معنی فروغ درخشان است. جم پسر ویو نگهان (ویو نگهنه/ویوهونت اوستایی) است که معادل ویوسوت/Vivasvant/ متون ودایی خدای خورشید است و در ادبیات پس از او/ نیز نام عام خورشید است. رابطه جمشید و میترانیز که هر دو با روشنی در ارتباط اند و دارای رمه خوب و چراگاه‌های فراخاند، شناخته شده است.

### ۱-۱-۳. پیشوانه تاریخی

**نظریه جلوس داریوش در تخت جمشید:** در بامداد نوروز، در سالی که هنگام جلوس او حلول خورشید به برج حمل به ساعت ۶ بامداد روی داده است و در آن ساعت شاه بر تخت نشست و بار عالم داد و نور خورشید از منفذی بر تخت او تابید. **نظریه نسبت دادن بنای شهر استخر به جمشید:** همراه با نقش و دیوارنگارهایی که شاه هخامنشی را بر تخت در حال حمل او توسط اقوام تابع گوناگون نشان می‌دهد.

**فارس‌نامه این بلخی:** جمشید بفرمود تا جمله ملوک و اصحاب جهان به استخر حاضر شوند و جشن گرفت و آن ساعت خورشید به اعتدال ربیعی رسیده بود.

**نظریه نجومی:** [بنای] تخت جمشید با محاسبات ریاضی، فیزیکی و ستاره‌شناسی بسیار دقیقی بنیان‌گذاری شده است. آیا می‌توان احتمال داد که نقش شیر و گاو پلکان آپادانا نمادی از برج اسد و برج ثور باشند و این هر دو ماه (اردبیهشت و مرداد) در بنا وضع جغرافیایی آن نقشی داشته باشند؟ یا اینکه حلول خورشید را به برج ثور برساند.

### ۲. پیوند جمشید با نوروز در بازگشت به زندگی و گسترش زمین

**بیرونی؛ از قول زادویه:** اهرمن، برکت را از آب و گیاه گرفته بود و باد را زریزین باز داشته بود و درختان خشک شدن و دنیا نزدیک به نابودی بود. پس جم به امر خداوند به قصد منزل اهرمن و پیروان او رفت و دیرگاهی آنجا بماند و چون برگشت جهان به حالت فراوانی و باروری و مردم به اعتدال رسیدند. در آن روز که جم برگشت، مانند آفتاب طالع شد و نور از او می‌تابید و مردم از طلوع دو آفتاب در یک روز در شگفت شدند و آن روز را نوروز خوانندند و جشن گرفتند و چون چوب‌های خشک

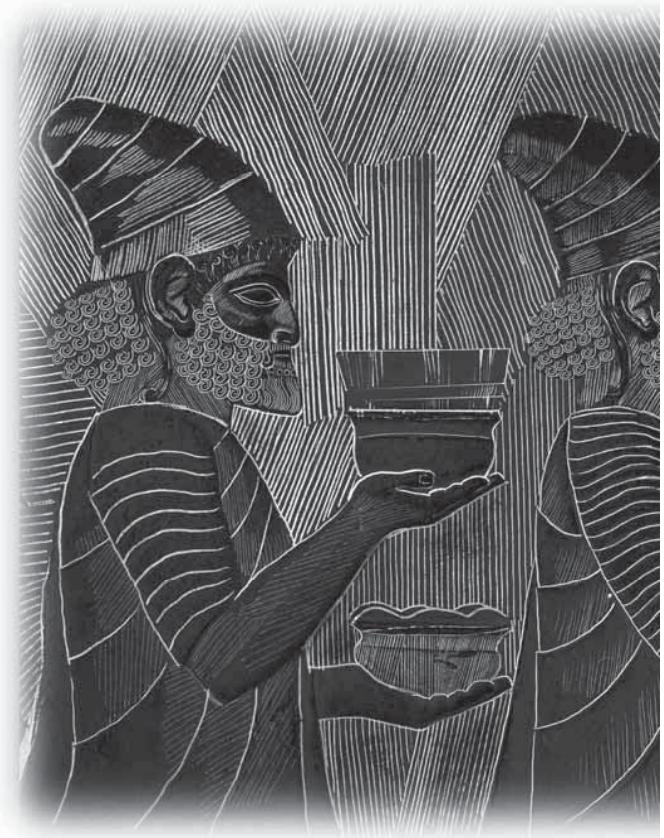
طبیعت. همچنین مقایسه شود با جشن بابلی زگموک (zagmuk) و بازگشت مردوک پس از اسارت در زیرزمین و جشن بهاری و آیین تجدید میثاق پادشاه بابل با مردوک و کاهنان آن. جشن بهاری بابلی‌ها دوازده روز دوام داشت و در آن مدت پیکربندی‌ها از معبدی‌های هر شهر به خارج برده می‌شد و بعد از این همراه با پیکربند مردوک به پرستشگاه بابل آورده می‌شد. در آنجا شاه شرکت می‌کرد و حلقة شاهی و شمشیر خود را به کاهن می‌داد و در مقابل پیکربند مردوک که توبه می‌کرد و سوگند می‌خورد. با این تشریفات، مردوک که در جهان زیرین اسیر بود آزاد می‌شد.

#### ۱-۳-۴. احتمال می‌رود جشن سال نو آریایی‌ها که به

بازگشت فروشی‌ها را نیز می‌توان
نوعی بازگشت به زندگی یا
بازگشت به سوی زندگان
تعبیر کرد. فروش‌ها ارواح پاک
نیاکان اند که پیش از سال نو،
به دیدن وطن، خانه فرزندان و
نوادگان خود می‌آیند. نام ماه
فروردین نیز از همین نام فروشی
(فروتی) گرفته شده است

و زرداشتیان باستان بیشتر به جشن‌های دینی خود پایبند بودند. اما محبوبیت نوروز در میان ایرانیان باعث شد که زرداشت نوروز را بپذیرد و آن را به عنوان جشن آفرینش برگزار کند. بازگشت فروشی‌ها را نیز می‌توان نوعی بازگشت به زندگی یا بازگشت به سوی زندگان تعبیر کرد. فروش‌ها ارواح پاک نیاکان اند که پیش از سال نو، به دیدن وطن، خانه فرزندان و نوادگان خود می‌آیند. نام ماه فروردین نیز از همین نام فروشی (فروتی) گرفته شده است.

آیین رفتن بر مزار گذشتگان پیش از نوروز و افروختن چراغ یا شمع برای آن است که فروهرها راه خانه و کاشانه خود را در روشنایی به آسانی بیابند و تمیز کردن خانه نیز در اصل برای خوشامدگویی به این بازدیدکنندگان آن جهانی است.



ایران ناجوانمردانه کشته می‌شود. از خون او گیاهی می‌روید که همیشه زنده است. پسرش کیخسرو به ایران بازمی‌گردد و این پادشاه آمانی ایران و اسطوره صلح، نظم و داد را برقرار می‌کند و به آشفتگی دوران کاوسوس پایان می‌دهد. ضمناً کیخسرو از جاودان‌هاست. می‌توان بازگشت او به ایران را، مثل بازگشت سیاوش به زندگی تلقی کرد.

#### ۲-۳-۱. روایت بیرونی

خدای گیاهان در این روز زنده می‌شود. گویند در بامداد نوروز بر کوه بوشیخ، شخصی خاموش که دستهای از گیاهان خوشبو در دست دارد، ساعتی آشکار می‌شود و بعد تا سال دیگر همان زمان تا بدید می‌گردد.

**نوشخی (تاریخ بخارا):** بنای ارگ بخارا را به سیاوش نسبت می‌دهند و محل گور او را در دروازه غوران بخارا که مکانی عزیز و محترم است می‌دانند و هر سال در نخستین روز نوروز پیش از آفتاب یک خروس می‌کشند و به روایت دیگر مغان بر مرگ او سرود سوگواری می‌خوانند.

۱-۳-۲. مقایسه شود با اسطوره بین‌النهرینی اکیتو (akitu) یا کشته شدن خدای دموزی / تموز و بازگشت او به زمین دوباره و ازدواج او با الهه باروری و تجدید حیات



## ۲. نوروز و آفرینش و جشن توزیع بخت

۲-۱. طبق نظریه‌ای آفرینش جهان در نوروز صورت گرفته است. (نظریه‌ای دیگر آن را در مهرگان می‌داند)

بیرونی: آفرینش جهان در ششمین روز نوروز به کمال رسید. روز اول نوروز بهنام خداوند (هرمزد) و روز ششم بهنام خرداد (امشاسپند) است.

در بیشتر روایات آسمان، زمین، خورشید و ستارگان قبل از آفریده شده بودند اما آفرینش زمان در نوروز بود. خداوند به خورشید در آن وقت که در برج حمل بود، حرکت بخشید و از آنجازمان آغاز شد و مردم نوروز را جشن گرفتند. در بعضی روایات، آفرینش انسان نیز در نوروز بود. پس نوروز جشن تولد انسان نیز می‌تواند باشد.

بیرونی: نخستین روز از فوروردین ماه را از این جهت نوروز نام نهادند؛ که پیشانی سال نوست و به اعتقاد پارسیان نخستین روزی است آن گشتن زمان. در این روز خوشبختی را برای ساکنان زمان توزیع می‌کنند و از این رو ایرانیان آن را روز امید می‌خوانند.

**نوروزنامه:** در آغاز آفرینش حرکت خورشید در بامداد نخستین روز فوروردین از نخستین درجه برج حمل آغاز شد. پس آفتاب از سر حمل برفت و آسمان او را گردانید و شب و روز پدیدار گشت و از آن آغازی شد بر تاریخ جهان.

۲-۲. **نوروز بزرگ بیرونی:** دانشمندان ایران گویند که در نوروز ساعتی است که، در سپهر پیروز، روان‌ها برای ایجاد آفرینش به جنبش درآورد. این روز که روز خرداد است نوروز بزرگ نام دارد و در میان ایرانیان جشنی بالهمیت است. گویند که خدا در این روز آفرینش همه آفریدگان را به پایان رسانید.

در این روز، او ستاره مشتری را آفرید و فرخنده‌ترین ساعت متعلق به مشتری است. اما آخرین عمل آفرینش اورمزد، بنابر اعتقاد زدشتیان، آفرینش انسان است و اگر آفرینش ستاره مشتری بعداً بدان اضافه شده، بدین دلیل است که ستاره مشتری همان اورمزد است. در نوروز بزرگ (یا روز خرداد ماه فروردین) است که طبق متون پهلوی بیشتر رویدادهای مهم جهان در گذشته و آینده در این روز اتفاق افتاد. از جمله: تولد زردهشت، گسترش دین، پیام اورمزد به زردهشت، گروش گشتاسب به دین زردهشت، تولد و عروج کیخسرو، روزی که سام نریمان اژی دهک را بکشد و چندی به عنوان پادشاه هفت کشور بر تخت نشیند و چون کیخسرو ظهور کند آن را بد و واگذار کند و در آن مدت سوشیانس موبد موبدان او گردد، پس تن گشتاسپ‌شاه زنده گردد و کیخسرو فرماتراوی را بد و واگذار کند و سوشیانس مقام خود را به پدرش زردهشت دهد. در این روز است که اورمزد خدا رستاخیز تن پسین کند و جهان از مرگ و رنج و بدی برهد و اهرمن سرکوب گردد.

۲-۳. از نظر آفرینش، باید نقش امشاسپندان را در کمک به اورمزد یادآور شد، چه غیر از اورمزد که نگهبان انسان است، هر کدام از امشاسپندان نگهبان بکی از آفریدگان‌اند: بهمن و هومن، «نگهبان حیوان»، اردبیهشت «نگهبان آتش»، اسپندارمز / اسفند «نگهبان زمین»، خرداد «نگهبان آب»، امداد «نگهبان گیاه» و شهربور «نگهبان فلرات». در رابطه با نوروز باید بهویشه نقش سه امشاسپند مؤثر اسپندارمز، خرداد و امداد را ذکر کرد، چه اینان هر سه زایا هستند و در بارش باران، زایش زمین و رویش گیاه نقش بر جسته‌ای دارند و باروری جهان در سایه مهر و عطوفت آن‌ها صورت می‌گیرد.

۲-۴. **نوروز ساسانیان: نوروز خسروانی؛** درباره نوروز



گام می‌گذارد بهنام تندرستی و خوشبختی باید. همان‌گونه نیز پیام آفرینش نوروز در سبز کردن دانه‌های غلات جلوه می‌کند. انسان با سبز کردن هر دانه و رویش آن، بهویژه دانه‌ای که نقش تغذیه دارد، در کار آفرینش سهم کوچکی ایفا می‌کند و همان‌گونه نیز در نو کردن خود، جامه و خانه و اطرافیانش و در نوشدن و تجدید حیات نوروزی شرکت دارد. بدین‌سان آیین‌های نوروزی آینه‌تمام‌نمای جشن نوروز در تجدید حیات، بازگشت به زندگی، آفرینش و توزیع بختاند؛ و همان‌گونه که خداوند در تجدید حیات طبیعت به آفریدگان و بندگان خود برکت و بخت می‌بخشد، مردمان نیز در رسم عیدی دادن و مرحومت و لطف به دیگران در این امر خدامی شرکت می‌کنند. مراسم آبپاشان، آوردن آب از چشمه‌سارها و آسیابها برای سفر نوروزی و سبز کردن

**سیاوش قهرمان صلح، دوستی،  
پاکدامنی و دلاوری ایرانیان  
و نماد اعتدال و مخالف  
افراط) به دست دشمنان ایران  
ناجوانمردانه کشته می‌شود  
و پرسش کیخسرو به ایران  
بازمی‌گردد و نظم و داد را  
برقرار می‌کند و به آشفتگی  
دوران کاووس پایان می‌دهد**

خسروانی اطلاعات بیشتری از روایات اسلامی داریم. بار عالم شاه در شش روز نخست نوروز بود و هر روز به طبقه‌ای ویژه اختصاص داشت. روزهای نخست برای دهقانان (خرده‌مالکین)، اشراف (تیول‌داران)، سپاهیان و روحانیان بود و مردم عادی در روزهای بعدی می‌آمدند؛ و روز ششم ویژه شاه و خاصان او بود. شاه در روزهای نخستین هدیه می‌داد و در روز ششم هدیه‌ها را می‌پذیرفت.

بیست روز به نوروز مانده، دوازده (به روایتی هفت) ستون از خشت خام در حیاط نصب می‌کردند و در آن دانه‌های هفت نوع غله: گندم، جو، برنج، ارزن، لوپیا، نخود و عدس را می‌کاشتند و برای وضع کشت و کار سال در پیش تفال می‌زدند. در مأخذ، رسم آوردن هفت‌سین یا چیزی‌های حامل نقل و شکر یا هفت دانه غله نیز یاد شده است. اما شاید جالب‌ترین آیین «تبریک‌گوبی نوروزی» بود که به روایتی در روز نخست و به روایتی در روز ششم انجام می‌گرفت. شخص تبریک‌گو خوش‌قدم و نامش خجسته بود. او در تبریک‌ش از سوی دو نفر «فرخنده نیکی‌بخت» می‌آمد و به سوی دو «پُرِرَکت» می‌رفت. با خود سال نو می‌آورد و برای شاه تندرستی و خوشبختی آرزو می‌کرد. به احتمال بسیار این آیین نمادین بود و دو نفر فرخنده‌بی با فرخنده نیک‌بخت جلوه‌های دو امشاسپند خرداد و امرداد هستند. خرداد نماد تندرستی و امرداد نماد نامیرایی و جاودانگی است. دو پُرِرَکت نیز آب و گیاند که نماد باروری و فراوانی این دو امشاسپندند. پس تبریک‌گو برای طرف در سال نو تندرستی و جاودانگی و برای سرزمزینش برکت و باروری طلب می‌کند و همه این‌ها را همراه با پیروزی هدیه می‌آورد (طرف می‌تواند شاه یا بزرگ خاندان باشد)، این پیام پنهانی نوروز هنوز بازتابش در آیین‌های مردمی برپاست. هنوز بسیاری از ایرانیان می‌خواهند نخستین کسی که به خانه و کاشانه‌شان



**کشتیرانی:** کشتی ساخت و برآب انداخت و از کشوری به کشوری رفت (فردوسی).

**نجوم و ستاره‌شناسی و شناخت پیدایش زمین و آسمان.** (ابن‌نديم نقل از ابوسهل نوبختی) **عدالت و دادگستری:** جمشید به داد نشست و اين سنت تا زمان شاهان ساساني تداوم پيدا كرد. طبق گفته نظام الملک نويسنده سیاستنامه، شاهان ساساني در نوروز به عدالت مي پرداختند و نخست از شاكيان خود شروع مي كردند و قاضي القضاط مويد موبدان بود. بدون شک جامعه مدنی بدون دادگستری خوب پاگاهی ندارد.

**خط و نويسندگی:** جمشيد لوحه‌ها و کتیبه‌ها نوشته و به اطراف فرستاد. بيشتر مأخذ اين مطلب را تأييد كرده‌اند که کشف خط به وسیله جمشيد و در نوروز بود و در واقع اين کشف بنیاد تاریخ و فرهنگ تاریخي بشر است. (بيرونی، فردوسی، ابن‌نديم و ديگران). روزی که جمشيد خط نوشته و به مردم مژده داد که روش او خدا را خوش آمد و به پاداش کارهایش، گرما، سرمه، پيری و رشك را زمردان دور می‌کند روز ششم فروردین ماه بود.

**تعالی:** جم فرمانروای هفت اقلیم، زمین را آبادان کرد. آفريديگان را يميني بخشيد و داد بگسترد (اقتصاد، امنيت و داد: سه رکن جامعه مدنی).

**ابن‌مسکویه:** چهار خاتم ساخت برای چهار حرفه: برای جلوه‌داران جنگ بر آن نوشته: «نرمی»، برای خراج گيران نوشته: «آباداني»، برای بريدان: «تيزروي» و برای دادگاهها: «داد».

مي توان گفت نوروز علاوه‌بر جشن طبیعت، جشن آفرینش، جشن پیروزی نور بر ظلمت، جشن گسترش بنیادها و عناصر مدنیت بود. در واقع نوروز جشن دوران طلایی ايران استورهای اسپهان است که در آن نه گرما بود نه سرمه، نه بیماری نه رشك و نه مرگ.

حال ببينيم اين بنیادها و عناصر جامعه مدنی را از دیدگاه تاریخي کجا می‌توان یافت. آيا تخت جمشيد می‌تواند بعضی از اين جنبه‌ها را البته در چارچوب تاریخ و نه چارچوب استوره نشان دهد؟

### نوروز و تخت جمشيد

اگرچه نام نوروز در آثار مكتوب هخامنشيان نیامده است، اما وجود بنای تخت جمشيد بهترین بیان آيین‌های نوروزی یا جشن بهاری است. تخت جمشيد نه پايان‌تخت امپراتوري بزرگ هخامنشی می‌توانست باشد و نه محل اقامتم دائمی شاه و درباریان او. برای چنین مقصودی تخت جمشيد بسیار کوچک است. تخت جمشيد پايان‌تخت تشریفاتی و آيینی هخامنشيان بود که در آن جشن‌های نوروز و مهرگان با شکوه هرچه بيشتر برگزار می‌شد و نمايندگان ملت‌های پير (بيشترین دنيا) متمن آن روز) که از مرز سیحون تا حبسه و ليبى در آفريقا

قهرمان و پديدآورنده اين فرهنگ مدنی جمشيد بوده است. (يا در بيشه موارد جمشيد بوده است)

**دامداری:** جمشيد رام‌کننده حيوانات بهويژه اسب بود (بيرونی و مأخذ ديگر).

**کشاورزی و آبیاری:** جمشيد چاه و قنات حفر كرد و به آباداني زمين پرداخت (تعالي) و کاشف نيشکر بود و در نوروز دستور داد شکر بسازند و سپس مرسوم شد مردم در نوروز به هم شکر هديه بهنهند (بيرونی) و امروز شيريني و نقل و غيره.

**معماري:** جمشيد دستور داد کوهها و صخره‌ها را ببرند و از مرمر و سنگ و گچ، کاخ‌ها باساند (طبری)،

بيرونی و مأخذ ديگر). همچنین او فلزات و زر و سيم و گوهر استخراج كرد.

**بهداشت:** جمشيد گرمابه ساخت و به مردم گفت در نوروز خود را با آب بشويند تا آسودگي ها و گناهان از آن‌ها پاک شود (بيرونی و مأخذ ديگر).

**دادوستد:** جمشيد داد و نه مرگ

او زان و اندازه‌ها را وضع کرد و مردم از آن سود جستند.

**نساجي و خياطي:** جمشيد نخ، ابريشم و پشم و بافتان پارچه و دوختن پوشак را به مردم آموخت (بيرونی، طبری).

**پزشكی و درمان:** او دارو ساخت و بیماری‌ها را درمان کرد.

**صنایع و معادن:** جمشيد آتش را کشف کرد (مسعودی).

فلزات را استخراج کرد و آهن‌آلات ساخت (بيرونی)، زر و سيم ذوب نمود، تختی از زر و سيم ساخت و بر آن گوهر نشاند (فردوسی)، گردونه‌ای از بلور/شیشه (به روایتی از عاج) ساخت و با آن پرواز کرد (بيرونی، طبری) و یك روزه از دماوند به بابل رسید. (این شاید اوج صنعتگری و فناوری در ذهن بشر استورهای بود). سلاح زره و زین افزا ساخت (طبری). روزی که سوار بر گردونه بلور (با تخت زر) پرواز کرد و از دماوند به بابل رفت، روز هرماز ماه فروردین بود. همچنین جمشيد جامی ساخت که در آن می‌توانست همه عالم را ببیند که آن در ادبیات فارسی به جام جم معروف شد.<sup>۲</sup>

**شهرسازی:** جمشيد شهر ساخت و شهر تيسفون را که بزرگترین شهر از هفت شهر مداری است، او بنا نهاد (حمزة اصفهانی) استخر را نيز به روایتی جمشيد و به روایتی تمثيل ساخت (ابن‌بلخی)، جمشيد پلي بر دجله ساخت که تا روزگار

اسکندر بر جاي بود و اسکندر آن را ويران کرد.

## مي توان گفت نوروز علاوه‌بر

**جشن طبیعت، جشن آفرینش،**

**جشن پیروزی نور بر ظلمت،**

**جشن گسترش بنیادها و**

**عناصر مدنیت بود. در واقع**

**نوروز جشن دوران طلایی ایران**

**اسطوره‌ای است که در آن نه**

**گرما بود نه سرمه، نه بیماری نه**

**رشک و نه مرگ**

برابر صف نگهبانان پارسی و اشرافیان و بزرگان پارسی و مادی  
و نمایندگان دیگر ملت‌های تابع می‌خواند:

dusyara, haca drauga. auramazda patuv imam  
dahyaum, haca hainaya, haca

صف سریازان پارسی و شوشی نیزه و سپر به دست که در  
حالت خبردار ایستاده‌اند، صف بزرگان پارسی و مادی که از

و از شبمقاره هند تا کنار بُسفر و مرز دانوب در اروپا را تشکیل  
می‌دادند، شرکت داشتند. به همین منظور این بزرگترین و  
باشکوه‌ترین بنایی که تا آن روز بر روی زمین ساخته شده  
بود و شاید نماد بهشت آرمانی مردم کهن این سرزمین بود،  
بنیانگذاری شد. ستون‌های به شکل درخت تراشیده، نقش  
سر و نیلوفر آبی و گل، همان‌طور که زنده‌یاد مهرداد بهار آن را  
«باغی مقدس با درختان سنگی» خوانده است، نمایش رویش  
بهاری است. آیا معماری شکفتانگیز تخت جمشید که حتی  
امروز نیز بیننده را به حیرت می‌اندازد، این ستون‌های سر به  
آسمان افراشته، سرستون‌های اعجاب‌انگیز، نقش‌های سنگ از  
انسان‌ها با پوشانکها و سلاح‌های گوناگون و این نقش حیوانات  
با آن همه نیرو و قدرت، افرون بر آنچه که از تزئینات و سکه‌ها  
و مهرها و ظروف هخامنشی پیدا شده، دلالت بر پیشرفت  
هنر و صنعت و فناوری آن زمان نمی‌کند؟ آیا نقشه پلکان‌ها،  
آبروها، فاضلاب و کل مجموعه تخت جمشید یک نمایش از  
فرهنگ شهرنشینی پیشرفته نیست؟ اگر ساخت تخت جمشید  
بر حساب نجومی قرار گرفته باشد، خود این موضوع پیشرفت  
مردم آن دوران را در ریاضی و حساب‌های ستاره‌شناسی نیز  
می‌رساند.

بهطور کلی می‌توان گفت که جامعه اسطوره‌ای جمشید،  
لاقل از نظر مادی، در بنای تخت جمشید هخامنشی بازتاب و  
تبیور یافته است.

اما از نظر فرهنگی نیز خطهای مختلف نگاشته شده بر سینه  
سنگ و یا بر دل لوحة‌های گل نشان می‌دهد که در آن جامعه  
قانونی بوده و فرمانروای آن خدایی بزرگ را می‌پرستیده و مردم  
را به راستی تشویق می‌کرده و از دروغ پرهیز می‌داده و خود  
نیز چنین ونمود می‌کرده که طرفدار راستی و عدل و داد است.  
در آن جامعه همچنین هر کس به قدر کار، مهارت و زحمت  
خود در ساخت و نگه داشتن این بنا مزد و پاداش می‌گرفته  
است مرد، زن و کودک، هر کس کاری می‌کرده طبق قانون مزد  
دریافت می‌کرده است.

احتمالاً در این جشن‌هast<sup>۲</sup> که داریوش پیمان خود را با  
خداآوند و مردم تجدید می‌کند، زیرا باور داشت، یا می‌نمود که  
باور دارد، که شاهی را فقط اهوره مزا خدای بزرگ به او عطا  
کرده و نیز فرمانروایی ایران (پارس)، ایران زیبا، دارنده مردم  
خوب و اسباب خوب (این کشور پارس، دارنده اسباب خوب و  
مردم خوب).

Iyam dahyaus parsa, naiba, huaspa, humartiya  
و در همین مراسم که او از خداوند می‌خواست این سرزمین را  
از سه چیز نگه دارد: سپاه دشمن (haina)، سال بد (dusyara)  
و دروغ (drauga). این دعاوی است که داریوش در کتیبه خود  
بر دیوار جنوبی صُفَه تخت جمشید به خط میخی و زبان فارسی  
باستان (یعنی کهن‌ترین نمونه زبان فارسی) برای آیندگان به  
یادگار گذاشته است. شاید این دعا ادر مراسم جشن نوروز، در

از کتاب زندگی علم و خدمات علمی و اندیگی دفتری، الزمان قریب، چشم:  
فاخر فرهنگی، چهاران ۱۱۱۷  
که بیناییز آن را اسطوره‌ای تصور می‌کند، همچنان که حشید نست داد، بشر این را در  
هوابی‌نمایانه تلویزیون می‌داند. ماجندر  
سده بین ۳۰۰۰ تا ۲۵۰۰ پیش از میلاد  
شده‌های خمامش نیامده، با این‌جهت بیشتر نیست، چون این نام  
دیده نمی‌شود و فقط در چند متropolی نام نوروز داده  
گردباره نوروز در یک متن مخذلی و پوچشی نوگرایی داشت  
این متن اطلاع‌زیابی‌گریباره، نویزه‌ها این‌گهی دهد و غایب  
هم شخص نیست.